گزارش خبری

ایران و ونزوئلا ۱۹ سند همکاری امضا کردند

امضای قراردادهای لاتین با نام حاج‌قاسم

نام حاج‌قاسم در امضای ۱۹ سند مهم همکاری ۱۰میلیارد دلاری با ونزوئلا زنده شد، وقتی مادورو گفت کشورش با کمک سردار سلیمانی از روزهای سخت حمله سایبری امریکا رهایی یافته است. تهران روابط دوستانه‌ای با کاراکاس هم پیش از انقلاب و هم پس از آن داشت و رئیس دولت اصلاحات نیز سه‌بار به ونزوئلا سفر کرد اما این بار نام و برکت سردار حاج قاسم سلیمانی پای امضای قراردادهای اقتصادی بزرگ برای ایران دیده می‌شود

ریاست جمهوری

در روابط بین دولت‌ها اصلی نانوشته اما پذیرفته شده وجود دارد که همسویی سیاسی، زمینه همکاری در سایر جهات از جمله تجارت و اقتصاد را هم فراهم می‌کند و هرچقدر مخرج مشترک این همسویی‌ها بیشتر باشد، ارتباطات بیشتر است. خصوصاً آنکه دو دولت دشمنان مشترک امپریالیستی هم داشته باشند. این مثال را می‌توان در روابط کنونی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای امریکای لاتین به خوبی مشاهده کرد؛ کشورهایی که با دارا بودن ذخایر و منابع عظیم نفت و گاز، همواره تحت سیطره امریکا در ادوار مختلف قرار گرفته بودند و از آنها به عنوان «حیاط خلوت امریکا» یاد می‌شد و اکنون چند سالی است که با بیداری این ملت‌ها و راه افتادن جریان‌های استقلال‌خواهی، مسیر ضد استکباری را در پیش گرفته‌اند. به‌رغم سنگ‌اندازی‌های امریکا در مسیر روابط جمهوری اسلامی ایران با این کشورها، این روابط اما برخلاف اراده امریکا در حال گسترش و عمیق‌تر شدن است. اگر روزی سردار سلیمانی قهرمان مبارزه با استکبار به دستور رئیس‌جمهور امریکا و تروریسم دولتی به شهادت می‌رسد، امروز اما از این قهرمان در بیخ گوش امریکا تجلیل می‌شود. و نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا از رونمایی سردیس «این مرد بزرگ» در آینده‌ای نزدیک در این کشور خبر می‌دهد.

■ هدف‌گذاری تجارت ۲۰ میلیارد دلاری ایران و ونزوئلا

روز دوشنبه به وقت محلی، پس از استقبال رسمی از رئیس‌جمهور کشورمان در کاراکاس، پایتخت ونزوئلا، نشست مشترک هیئت‌های عالی‌رتبه دو کشور برگزار شد. دکتر سید ابراهیم رئیسی طی سخنانی در این نشست، با تشکر از استقبال گرم دولت و مردم ونزوئلا، روابط دو کشور را راهبردی توصیف و تصریح کرد: با وجود گسترش روابط ایران و ونزوئلا در سال‌های اخیر، ظرفیت‌های متنوع متقابل ایجاب می‌کند توافقات دو کشور هر چه سریع‌تر اجرایی و روابط فیمابین به سطوح بالاتری ارتقا یابد. رئیسی با اشاره به توانمندی‌های کشورمان در عرصه صدور خدمات فنی-مهندسی و فرآوری محصولات کشاورزی و معدنی، خاطرنشان کرد: ملت ایران به واسطه ایستادگی در برابر نظام سلطه و غلبه بر تحریم‌ها تجربیات و دستاوردهای ارزشمندی در زمینه علمی و فناوری به‌دست آورده است که می‌تواند این دستاوردها را با ونزوئلا تبادل کند.

رئیس‌جمهور با اشاره به هدف‌گذاری حجم تبادلات دو کشور تا ۱۰ میلیارد دلار در میان مدت تأکید کرد که این رقم می‌تواند در گام بعدی تا ۲۰ میلیارد دلار نیز افزایش یابد. رئیسی با تأکید بر فعال‌تر شدن خطوط کشتیرانی میان دو کشور، گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های صنعتی، معدنی، انرژی و مسائل پولی و بانکی را در تعمیق و تقویت روابط دو کشور حائز اهمیت دانست. رئیس‌جمهور با بیان اینکه نظام جدیدی در جهان در حال شکل‌گیری است، آینده این تحولات را به نفع کشورهای آزادیخواه و مستقل جهان دانست.

■ جبهه مقابله با استکبار در آستانه پیروزی

نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا نیز در نشست مشترک هیئت‌های عالی‌رتبه دو کشور با تمجید از سابقه روابط راهبردی تهران و کاراکاس، از عزم خود و اعضای کابینه این کشور برای آغاز دور جدیدی از تلاش‌ها و اقدامات برای گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران خبر داد. وی با اشاره به تلاش‌های ایران و ونزوئلا برای کاهش وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی و در نتیجه افزایش مقاومت اقتصاد دو کشور در برابر تکانه‌های خارجی گفت: در جهان جدیدی که در حال شکل‌گیری است، امپریالیسم در حال سقوط است و کشورهایی که در برابر زیاده‌خواهی مستکبران مقاومت و ایستادگی کردند در آستانه پیروزی قرار دارند. رئیس‌جمهور ونزوئلا همچنین با ابراز خرسندی از فعال شدن دوباره شرکت‌های صنعتی ایرانی همچون تراکتورسازی و خودروسازی در ونزوئلا، بر تلاش برای تحقق هدف‌گذاری افزایش حجم تبادلات تجاری دو کشور به رقم ۱۰ میلیارد دلار تأکید کرد. مادورو با تأکید بر ضرورت راه‌اندازی خط هوایی مستقیم بین دو کشور و نیز تقویت خطوط کشتیرانی برای افزایش مبادلات تجاری میان ایران و ونزوئلا گفت: دو کشور در حوزه گردشگری، کشاورزی و دامپروری ظرفیت‌های مناسبی برای همکاری دارند. وی همچنین سرمایه‌گذاری ایران در استخراج طلا در ونزوئلا و همکاری شرکت‌های ایرانی در حوزه‌های صنعتی با این کشور را روابط برد-برد برای دو طرف دانست.

■ مادورو: خیلی‌ها از خدمات ژنرال سلیمانی خبر ندارند

همچنین در نشست هیئت‌های عالی‌رتبه ایران و ونزوئلا، رؤسای جمهور دو کشور شهید حاج قاسم سلیمانی و سیمون بولیوار، سیاستمدار فقید ونزوئلایی را قهرمانان مبارزه با سلطه و امپریالیسم خواندند. مادورو با بیان اینکه ژنرال سلیمانی مرد بزرگی بود و خیلی‌ها از خدمات او خبر ندارند، اضافه کرد: چند سال پیش که به برخی زیرساخت‌های ونزوئلا از طرف امریکا حمله سایبری وحشیانه‌ای شده بود، ژنرال سلیمانی به کمک ما آمد و هیئتی را مأمور شناسایی و برخورد با این حمله کرد. من به او ادای احترام می‌کنم و به‌زودی سردیس او را در مقبره سیمون بولیوار (رهبر آزادیبخش انقلاب‌های امریکای لاتین) نصب و رونمایی می‌کنیم.

■ امضای ۱۹ سند همکاری میان ایران و ونزوئلا

در جریان سفر رئیس‌جمهور به کاراکاس، مراسم امضای اسناد همکاری‌های دوجانبه ایران و ونزوئلا در حضور رؤسای جمهور دو کشور برگزار شد و مقامات عالی‌رتبه حاضر ۱۹ سند و تفاهمنامه همکاری امضا کردند. همکاری و مشارکت در حوزه‌هایی همچون «ارتباطات و فناوری اطلاعات، انرژی، بیمه، حمل و نقل دریایی، آموزش عالی، کشاورزی، دارویی و پزشکی، تبادلات فرهنگی و همچنین توسعه همکاری‌های معدنی» از جمله اسناد مهم امضا شده میان وزرای امور خارجه، نفت، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، بهداشت و درمان و فرهنگ و ارشاد اسلامی با همتایان ونزوئلایی بود.

■ ایران، دوست روزهای سخت مردم ونزوئلا

سید ابراهیم رئیسی همچنین عصر دوشنبه به وقت محلی در نشست مطبوعاتی مشترک با همتای ونزوئلایی خود که در جریان برنامه‌های سفر رسمی به این کشور برگزار می‌شد، با تمجید از سال‌ها مقاومت مردم ونزوئلا در برابر امپریالیسم و ادای احترام به قهرمانان ملی این کشور گفت: ایران و ونزوئلا منافع و دیدگاه‌های مشترکی در زمینه‌های استقلال‌طلبی، آزادی و عدالت‌خواهی دارند که باعث شده مردم این دو کشور کنار هم قرار گیرند.

رئیس‌جمهور همچنین با بیان اینکه مردم ایران و ونزوئلا دارای دشمنان مشترکی هستند که نمی‌خواهند ما مستقل زندگی کنیم، افزود: ملت ایران در طول سال‌های گذشته دوستی خود را با مردم ونزوئلا اثبات کرده و همواره نشان داده که دوست روزهای سخت آنان است. رئیسی با اشاره به اینکه روابط میان ایران و ونزوئلا روابط دیپلماتیک معمولی نیست بلکه راهبردی است، اظهار داشت: برخورداری از منافع، نگاه و دشمن مشترک، همکاری‌های فیمابین را عمیق و راهبردی کرده است. رئیس‌جمهور با بیان اینکه ایران و ونزوئلا در سال‌های گذشته گام‌های خوبی در جهت توسعه روابط در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، انرژی و خدمات فنی و مهندسی برداشته‌اند، تصریح کرد: امروز دو کشور مصمم به توسعه روابط در حوزه‌های مختلف هستند. رئیسی اضافه کرد: جمهوری اسلامی ایران به برکت انقلاب اسلامی، خون مطهر شهدا و ایستادگی و مقاومت ملت ایران توانسته فشارها و تحریم‌ها را تبدیل به فرصت کند و از این طریق ظرفیت‌های متنوعی فراهم آورد که آماده به اشتراک گذاشتن آنها با ملت مقاوم ونزوئلا است.

رئیس‌جمهور با مفید و سازنده توصیف کردن مذاکرات با همتای ونزوئلایی خود در راستای ارتقای سطح روابط دو کشور گفت: در مذاکرات انجام شده هر دو طرف تأکید داشتند که با وجود اقدامات صورت گرفته برای توسعه روابط، همچنان ظرفیت زیادی برای گسترش همکاری‌های فیمابین وجود دارد. رئیس‌جمهور امضای ۱۹ سند همکاری میان دو کشور در عرصه‌های صنعتی، معدنی، کشاورزی، انرژی و علمی و فناوری را جلوه‌ای از اراده دو طرف برای گسترش روابط فیمابین توصیف و تصریح کرد: امیدوارم با اجرای این اسناد بتوانیم گام بلندی در ارتقای سطح روابط دو کشور برداریم.

در ادامه برنامه‌های سفر رسمی رئیسی به ونزوئلا، آقای «نیکولاس مادورو» نشان افتخار ملی ونزوئلا (نشان درجه یک زنان و مردان آزادیبخش ونزوئلا) را به رئیس‌جمهوری اسلامی ایران اعطا کرد.

گزارش ۲

زینب شریعتی

وداع باشکوه باغملک و ایذه با سرباز ایران

گاهی در مراسم تولد یک کودک، میزبان به همه کودکانی که دعوت را پذیرفته و آمده‌اند، هدیه می‌دهد که دست خالی از مراسم نروند. ماه‌منیر مولایی هم برای مراسم تولد پسرش به پنج فرزند سروان محمد قنبری هدیه داد؛ یتیمی! مراسم تولدی که با فراخوان براندازان برگزار شود و به جای هر بزرگداشتی، کاسبی سیاسی روی خون باشد، هدیه‌ای بهتر از «مرگ»، حتی برای آنها که نیامده‌اند، نخواهد داشت.

به گزارش جوان، ایذه و باغملک روز گذشته محل مشایعت و بدرقه پیکر یک شهید بود. شهید محمد قنبری، سروان نیروی انتظامی، شهید مدافع امنیت. آنچه در مراسم تشییع او مشهود بود، گریه‌های فرزندانش، نوازش عکسش با دست‌های کوچک دخترکش، روضه محلی برادرش، اقتدار ایستاده مادرش و قدرشناسی مردمی بود که برای وداع با او آمده بودند.

یک نفر با لباس عربی، یک نفر با لباس بختیاری، یکی با چفیه‌ای بر گردن که عکس حاج قاسم روی آن است، آن دیگری‌ها با لباس فرم نیروی انتظامی، یکی با چادر عربی، دیگری با چادر ساده ایرانی و آن یکی بدون چادر. همه برای بدرقه شهید آمده بودند. این میان گریه‌های سوزناک دختر خردسال شهید، گویی تجسمی از روضه حضرت رقیه بود... از شهید قنبری پنج فرزند بر جای مانده که بزرگ‌ترین آنها ۱۸ ساله و کوچک‌ترین آنها دو ساله است.

پیکر شهید قنبری عصر دوشنبه در محل فرماندهی فراجای استان خوزستان در اهواز تشییع شد. سپس صبح سه‌شنبه در ایذه و عصر سه‌شنبه در باغملک تشییع شد و در نهایت به روستای چلسرخ شهرستان صیدون برده و در آرامستان آن روستا به خاک سپرده شد، خاکی که او برای امن ماندنش از آشوب، جان داد.

یک‌شنبه عصر بود که آن نقطه از استان خوزستان، از سر فراخوان‌های ضدانقلاب برای مراسم تولدی که مادر کیان پیرفلک بر مزار پسرش گرفته بود، دلشوره ناامنی داشت. مأموران حافظ امنیت برای تأمین امنیت مراسم، برای آنکه کسی فکر آشوب و اغتشاش به سرش نزند و مشی تحریک‌کننده مادر کیان، فضا را باز ناآرام نکند، در اطراف مراسم و با فاصله حضور داشتند. اما گویی حضور آنها که مانع آشوب بود، برای اهل آشوب سنگین آمده بود. برنتابیدند که ایذه آرام بماند، تحمل نکردند که بی مرگ و بی خون، آن مراسم کذایی پایان یابد. پویا مولایی، پسر عموی مادر کیان، سوار بر خودروی شخصی در جاده می‌راند که به نیروهای حافظ امنیت رسید، ماشین را با سرعت به سروان محمد قنبری کوبید، دور زد، مجدد به سرباز فراجا زد و نیروهای دیگر حاضر در صحنه نگذاشتند ادامه دهد و هدف شلیک آنها قرار گرفت و در نهایت در مسیر انتقال به بیمارستان به هلاکت رسید.

منزل ساده شهید قنبری، خانواده ساده‌اش و پایبندی پدر و مادر و سایر خانواده به انقلاب اسلامی نشان از اصالت این خانواده دارد. یکی از اهالی آن منطقه ضمن توئیتی در وصف شهید قنبری می‌نویسد: «سروان شهید محمد قنبری که به‌دست پسرعموی مادر کیان پیرفلک در ایذه شهید شد، جوان اهل خیر، مردمدار و کمک به محرومان منطقه بود. اصالتاً از ایل بزرگ و غیور بهمئی و طایفه قنبری است. نخبگان و بزرگان بختیاری مثل همیشه باید به میدان بیایند و اجازه ندهند یک زن امنیت منطقه را به هم بزند.»

ضدانقلاب البته برای جنگ قومیتی هم برنامه دارد و از سخنان ماه‌منیر مولایی، مادر کیان هم این برنامه عیان است، اما از قضا مراسم تشییع شهید قنبری، صحنه وحدت قومیت‌ها بود.

یک نفر لب مرز، یکی در جنگ با داعش در سوریه، دیگری در درگیری با قاچاقچیان مواد مخدر و یک نفر هم کف خیابان، روی زمین امن ایران با تروریسم نهفته در وجود کسی که خود را هموطن می‌نامد، شهید می‌شود. چه فرقی می‌کند؟ ایران به خون همین شهداست که یکپارچه، مستقل و استوار ایستاده است.

دیروزنامه

|شنبه، ۲۴ خرداد ۱۳۸۲|۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۲۴|۱۴ ژوئن ۲۰۰۳|

جلوی گرانی را بگیرید

■ رهبر معظم انقلاب اسلامی در سفری که به ورامین داشتند، در دیدار مردم آن منطقه فرمودند: «من ملت عزیز و مؤمن و دلاور مان را به اتّحاد کلمه و مسئولان کشور را به پیگیری مدبّرانه کارها دعوت می‌کنم. همان‌طور که اوّل سال از مسئولان خواستیم، باز هم می‌گوییم دنبال خدمت‌رسانی باشند. دولت و دستگاه اجرایی کشور را به اجرای دقیق قوانین در خدمت مردم و منافع آن‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده و سوءتدبیر در بخش‌های مختلف، و مجلس شورای اسلامی را به پرداختن به نیازهای مردم و ایجاد مقرّراتی که در خدمت گشایش امور مردم باشد، و همچنین کم کردن از حجم مباحث سیاسی و پرداختن به مسائل اساسی کشور و مردم دعوت می‌کنم. مجوّزهایی را که بعضی از دستگاه‌ها دارند و منجر به همین گرانی‌ها و افزایش قیمت‌ها می‌شود، باید لغو کنند. دستگاه قضایی را هم به دقّت در اجرای قوانین و تعقیب متخلّفان و مجرمان، و نیز دستگاه‌های انتظامی و اطلاعاتی و امنیتی را هم به هوشیاری دعوت می‌کنم.»

یادداشت

حمیدرضا شاه‌نظری

انقلاب اسلامی ۳ تحول و ۳ آنتی‌تز

مقام معظم رهبری در سخنرانی اخیر خود در مراسم ارتحال امام خمینی(ره) از سه تحول بزرگی که انقلاب اسلامی در سطح ایران، در سطح امت اسلامی و در سطح جهان رقم زد صحبت کردند. در واقع این سه تحول از یک جنس و در امتداد هم و همانند امواجی هستند که از یک نقطه با یک ضربه بر روی آب آغاز می‌شوند.

بعد از ۱۴ قرن از پایان دوره رسالت آخرین پیامبر، جریان ضدتوحیدی و شیطانی با بازیگری یهودیان صهیونیست و همراه نمودن غرب مسیحی، روز به روز بشریت را از آموزه‌های انبیا دورتر و به اسم روشنگری و مدرنیسم، سنگین‌ترین هجمه‌ها را بر جریان الهی وارد کردند. این جریان در این چند قرن به قدری مست قدرت شده و خود را پیروز میدان می‌دید که به صراحت دین را افیون توده‌ها می‌خواند و سخن از مرگ خدا می‌گفت. این روند دین‌زدایی از حیات بشری که با عناوین دلفریبی چون دموکراسی و سکولاریسم از غرب آغاز شده بود طی دو قرن اخیر به خصوص بعد از غلبه لیبرال سرمایه‌داری بر سایر رقیبان به همه مناطق جهان نفوذ کرد و می‌رفت که بعد از ضربات کاری به مسیحیت و تهی کردن آن از آموزه‌های توحیدی، اسلام را نیز به عنوان آخرین و قدرتمندترین دین توحیدی از صحنه حیات بشری خارج کند. انقلاب اسلامی ایران در چنین زمانه‌ای رخ داد و در واقع این انقلاب، پاسخی بود به این روند و قیامی بود بر علیه سلطه مادی‌گرایی شیطانی بر حیات بشری.

در دو قرن پیش از انقلاب، جریان مادی غرب با تربیت ایرانیانی که برای تحصیل یا تجارت به غرب می‌رفتند و با رسوخ و نفوذ به بدنه حاکمان و سیاستمداران ایرانی توانستند عناصری چون پهلوی‌ها را بر سر کار بیاورند تا کاملاً اجرای برنامه‌های ضددینی غرب را در ایران برعهده بگیرند. مقابله با حجاب، ترویج بی‌حجابی و بی‌بندوباری، ترویج فحشا و اباحه‌گری و مقابله با جریان دینی از جمله این برنامه‌ها بودند که به جداز سوی حاکمان دست‌نشانده و جریان وابسته در ایران پیگیری شد و ضربات جبران‌ناپذیری به حیات دینی جامعه ایران زد. البته این روند، تنها در ایران طی نشد بلکه همزمان و حتی پیشتر از آن، در سایر کشورهای اسلامی از جمله در ترکیه و مصر، همزمان با هجمه به ادیان الهی به شدت مظاهر ضددینی و فساد و فحشا در قالب روشنفکری و آزادیخواهی ترویج یا با اجبار تحمیل می‌شد و این البته روندی بود که به سرکردگی و پیشتازی غربی‌ها در کشورهای غربی و سپس در سایر نقاط جهان آغاز شده بود و کشورهای اسلامی و ایران، آخرین مناطقی بودند که به علت مقاومت در برابر آن، مورد هجمه سنگین قرار می‌گرفتند.

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، معنویت توحیدی در جهان مورد بیشترین هجمه‌ها قرار گرفته و آخرین نقاط مقاومت در برابر این هجمه‌ها نیز با برنامه‌های در حال اجرا به دست حاکمان تحت نفوذ به سرعت در حال طی کردن مسیر ضدیت با دین بودند. روند حرکت به سمت زندگی مادی شیطانی به قدری سرعت گرفته بود که به نظر می‌رسید دوران توجه به دین و معنویت سپری شده و دورانی جدید در تاریخ بشری آغاز شده است. در بعد سیاسی نیز با پیروزی لیبرال سرمایه‌داری در جنگ جهانی دوم و قدرت‌یابی امریکا در پس این جنگ، رژیم صهیونیستی به عنوان پایگاه نظام سلطه در غرب آسیا توانسته بود با حمایت این نظام به بسیاری از اهداف توسعه‌طلبانه خود دست یافته و ضمن شکست دادن و استحاله دولت‌های منطقه، ملت‌های منطقه را دچار یأس، سرخوردگی و ناامیدی از مقابله با خود کند.

انقلاب اسلامی به مثابه نوری در تاریکی بود که روشن شد و به ناگاه اثرات عمیقی بر بشریت بر جای گذاشت. این انقلاب نه از جنس انقلابات مادی بود و نه بر پایه تحلیل‌های مادی می‌شد آن را پیش‌بینی یا تحلیل کرد. این انقلاب در داخل ایران توانست یک رژیم دست‌نشانده را که تحت عنوان ژاندارم منطقه در واقع نقش حافظ منافع امریکا را برعهده گرفته و کمر به نابودی دین و مظاهر دینی بسته بود پایین بکشد و در سطح منطقه با ارائه «نظریه مقاومت» باعث بیداری ملت‌های اسلامی شده و در منطقه غرب آسیا سدی محکم در برابر رژیم صهیونیستی ایجاد کرد و در سطح جهان نیز توانست توجه بسیاری از ملت‌های مستضعف را به دین و معنویت و احیای آن معطوف کند. دقیقاً به خاطر همین تحولات بود که غربی‌ها در چهار دهه گذشته به فکر طراحی و اجرای آنتی‌تزهای مقابله‌ای با آنها افتادند. آنها در حوزه داخل کشور تلاش کردند با نفوذ عناصر اسلام امریکایی، با تهی‌سازی معنایی ساخت حقیقی و با به دست گرفتن قدرت در ساخت حقوقی نظام، انقلاب اسلامی را خانه‌نشین کنند و وقتی در این هدف موفق نشدند، تلاش کردند با جنگ شناختی ذیل جنگ ترکیبی گسترده علیه نظام اسلامی، ضمن هجمه به ارزش‌های توحیدی همچون حجاب، بدنه‌ای همراه و همسو با خودشان را به عنوان یک گروه فشار قدرتمند برای دیکته کردن برنامه‌های خودشان به وجود آورند. در حوزه منطقه نیز با علم کردن نسخه‌های انحرافی و تقلبی از اسلام همچون تفکر سلفی-تکفیری، تلاش کردند مفاهیم «جهاد» و «شهادت» را قلب معنا کنند و نظریه مقاومت را به حاشیه برانند و شرایط امن و مناسبی برای توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی به وجود آورند. در سطح جهان نیز برای مقابله با موج معنویت‌گرایی، علاوه بر تخریب، ایجاد تنفر و دور از دسترس کردن اسلام واقعی با تلاش برای معرفی اسلام داعشی به عنوان نماینده آن، بر گسترش فحشا و اباحه‌گری با استفاده از رسانه‌های نوین و تلاش برای عرفی‌سازی و قانونی‌سازی بدترین فسادها تمرکز کردند.

یادداشت

سبحان حافظی

علیه تثبیت سنت سبت

سبت یا شَبّات (שבת) به معنای شنبه از سنت‌های آیینی یهود است که اشاره به تعطیلی این روز در این دین دارد. ادیان ابراهیمی هر یک برای خود یک روز تعطیلی در هفته دارند که برگرفته از آموزه‌هایشان است. یهودیان هم بر اساس کتاب‌های مقدس موجودشان معتقدند که خداوند جهان را در شش روز آفریده و روز هفتم به استراحت پرداخته است، لذا تعطیلی هفتگی‌شان، شنبه تعیین شده است. البته وجه تمایز جدی روز تعطیلی یهود با دیگر ادیان این است که یهودیان معتقدند که خداوند در این روز انسان‌ها را از هر کاری جز عبادت نهی کرده و این در سایر ادیان از جمله اسلام نیست.

بر اساس شریعت شفاهی یهود (میشنا) به‌طور مشخص انجام ۳۹ کار در شبات ممنوع است؛ از جمله شخم زدن، پاشیدن بذر، درو کردن، خوشه دسته کردن، خرمن‌کوبی، باد دادن به خرمن، انتخاب، غربال کردن، خرد کردن، خمیر کردن، آشپزی، برش، شستن، زدن پشم، رنگرزی، نخ‌ریسی، نخ‌بافی، ساختن غربال، بافتن، تقسیم دو رشته، گره زدن، باز کردن، دوزندگی، پاره کردن، شکار، ذبح و قصابی، کندن پوست، نمک زدن به گوشت، ترسیم، صاف کردن، بریدن، نوشتن، فرستادن چیزی، ساختن مثلاً دیوار، خراب کردن، خاموش کردن آتش، افروختن آتش، کمک نهایی برای به پایان رساندن یک کار، جابه‌جا شدن به بیرون از محل سکونت.

همان‌گونه که می‌دانیم در اسلام صرفاً هنگامه اقامه نماز جمعه توصیه به تعطیلی کسب‌وکار شده و در سایر اوقات فعالیت ممنوع نیست. از طرفی می‌دانیم که در قرآن کریم هم به خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز اشاره‌شده، اما آموزه‌های اسلامی، ذات باری‌تعالی را از نیاز به «استراحت» و چیزهایی از این قبیل بی‌نیاز می‌داند. معلوم نیست آنچه در عمل امروز یهود است، دقیقاً همان باشد که در زمان حضرت موسی (ع) تشریع شده باشد. ما تنها بر اساس آیات قرآن کریم می‌دانیم یهودیان از شکار در شنبه نهی شده بودند. مشهور است که «طمع» و «ثروت‌اندوزی» از رذائل بنی‌اسرائیل بوده و پاره‌ای از مفسران معتقدند تعطیلی شنبه در واقع ابزار تنبیهی شارع مقدس برای مهار طمع‌ورزی یهود است تا حداقل یک روز هفته را از فعالیت اقتصادی دست بردارند و مشغول عبادت خداوند شوند. بر این اساس حکم تعطیلی سبت بر ادیان دیگر تشریع نشده و به‌خصوص در سنت اسلامی شنبه اولین روز کاری هفته قرار گرفته است. هرچند بیشتر جمعیت کشورهای غربی را مسیحیان تشکیل می‌داده‌اند، اما نفوذ سرمایه‌سالاران یهود در محافل سیاسی و اقتصادی غرب و بازارهای دنیا، باعث شد به‌تدریج در برخی کشورهای غربی علاوه بر یکشنبه، شنبه نیز تعطیل شود و در حال حاضر در بسیاری از بازارهای دنیا و اقتصاد سرمایه‌داری تعطیلی آخر هفته (Weekend) دو روز شنبه و یک‌شنبه باشد. در واقع روز پول و ثروت یهود چربید و سنت اختصاصی یهود که در واقع مجازات طمع‌ورزی آنان بود به سنت اقتصادی و حتی سیاسی دنیا تبدیل شد. نکته تأسف‌بارتر آن است که حتی در بسیاری از کشورهای اسلامی نیز از همین سنت تحمیلی غرب و یهود پیروی شده و تعطیلات هفته دو روز شنبه و یک‌شنبه است. جالب اینجاست که برخی کشورها حتی حاضر شده‌اند تعطیلی مسیحیان (یکشنبه) را نپذیرند، اما تعطیلی یهود را به اسم همگامی با بازارهای جهانی پذیرفته‌اند. به نظر می‌رسد جریان چراغ خاموش «آنوسی» در حاکم کردن تعطیلی شنبه در بسیاری از کشورهای اسلامی نقش‌آفرین بوده و به‌طور مشخص سرپل جریان تطبیع (عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی) در امارات متحده عربی واسطه اصلی طرح این موضوع در کشورهای عربی و اسلامی بوده است.

در کشور ما نیز برخی به‌طور مشکوکی هرچند سال یک‌بار در مجالس و دولت‌های مختلف این ایده را مطرح کرده‌اند و عمدتاً هم بهانه این پیشنهاد را همگامی با بازارهای جهانی اعلام نموده‌اند. البته جای این پرسش هست که آیا در حال حاضر بخش خصوصی ما -که بیشتر فعالیت‌های بازرگانی خارجی ما را بر عهده دارد- منعی برای کار در روز پنج‌شنبه یا جمعه دارد که روز تعطیلی را باید جابه‌جا کنیم؟ از طرفی یک میلیون معلم و ۱۵ میلیون دانش‌آموز چه ارتباط تجاری با دنیا دارند که بگوییم شنبه سر کلاس نروید و به‌جایش مثلاً پنج‌شنبه بروید؟ از این‌ها گذشته کشوری چون چین به‌عنوان دومین قدرت اقتصادی کنونی و اولین قدرت اقتصادی آینده جهان، وقتی ۱۲ ساعت با اروپا و امریکا فاصله زمانی دارد و درست زمانی که چینی‌ها سر کارند، اروپایی در تختخواب‌اند و برعکس، آیا این عدم هم‌زمانی، چین را از پیشرفت اقتصادی بازداشته است؟

چه دلیلی دارد که نظام اسلامی و ساختارهای حکومتی آن مجبور به پذیرش تحمیل یک سنت یهودی بشوند و روز یکشنبه را آغاز هفته کاری خود قرار دهند؟ آیا جز این است که این بخشی از کلان پروژه صهیونیست‌ها برای تحمیل نرم‌های خود بر جهان است و متأسفانه برخی واسطه نرمالیزاسیون در این میان هستند. رهبر معظم انقلاب اسلامی چند سال پیش با هشدار به تبعیت از نرم‌های تحمیلی دشمن، در ذیل مفهوم جهاد کبیر فرمودند: «دشمن را باید شناخت و در مقابل کارهای او باید حساسیت نشان داد؛ حتی اگر نسخه اقتصادی هم به ما می‌دهند، باید با احتیاط برخورد کرد؛ مثل این است که دشمنی بیاید به انسان یک دارویی را بدهد و بگوید آقا، این دارو را بخور برای فلان بیماری؛ شما احتیاط می‌کنید؛ احتمال دارد در داخل این دارو زهر گذاشته باشد. نسخه سیاسی و نسخه اقتصادی دشمن هم باید با احتیاط مورد توجه قرار بگیرد؛ حساسیت در مقابل دشمن این است. طبعاً این حساسیت وقتی بود، دیگر تبعیّت نخواهد بود، و عرض کردیم که عدم تبعیت همان جهاد کبیر است.»

مع‌الأسف عده‌ای در مجلس انقلابی -که چنین انتظاری از نمایندگان این مجلس هرگز نمی‌رفت- به‌دنبال تجویز نسخه تحمیلی سنت یهود به نام توسعه اقتصادی هستند و متأسفانه زمزمه‌هایی از درون مجلس برای طرح مجدد این تصمیم کاملاً غلط مطرح شده است. امید است نمایندگان بصیر و انقلابی این مجلس با درک حساسیت موضوع و ضرورت جهاد کبیر در مقابل نرمالیزاسیون تحمیلی دشمن، از هرگونه اقدامی که به ترویج سنت‌های غلط و وارداتی صهیونیسم می‌انجامد، پرهیز کنند. اگر بانیان این سیئه بزرگ از تداوم آن اجتناب کنند، اقدام صحیحی انجام داده‌اند و در غیر این صورت باید در پیشگاه تاریخ و ملت ایران پاسخگو باشند.

خبر آخر

معاون حقوقی رئیس‌جمهور:

اسناد جان باختگان تحریم دارویی امریکا به دادگاه لاهه رفت

پرونده‌ای در دادگاه بین‌المللی دادگستری داریم که در مورد تحریم است؛ این پرونده ۱۰ جلد دارد که یک موضوع بحث بیماران تالاسمی است.

محمد دهقان، معاون حقوقی رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با فارس با اشاره به تأثیر تحریم در جان باختن بیماران تالاسمی گفت: پرونده‌ای در دادگاه بین‌المللی دادگستری داریم که در مورد تحریم است؛ این پرونده ۱۰ جلد دارد که اسنادِ آثار تحریم بر سلامت، رفاه و زندگی مردم در آن آماده شده است. وی با بیان اینکه این اسناد تحویل دیوان دادگستری بین‌المللی شده است و وکلای بین‌المللیِ ما روی موضوع کاملاً مسلط هستند، افزود: یک موضوع بحث بیمارانِ تالاسمی است که اسناد آن آماده شده است و به دنبال این هستیم که تحریم‌های امریکا از آن منظر نیز مورد پیگیری قرار گیرد. شاید از دیدگاه حقوق بشری توسط وزارت امور خارجه اقداماتی انجام شده باشد باید پرسیده شود احتمالاً ستاد حقوق بشر و وزارت امور خارجه پیگیری کرده‌اند. وی افزود: ما مسئول دعوا هستیم و آن را مدیریت می‌کنیم اما جایی که بحث دیپلماسی باشد دستگاه وزارت خارجه کار را دنبال می‌کنند.